

نقد مصاحبه بی بی سی با رئیس شورای تجزیه طلبان

امیرفیض- حقوقدان

برخلاف انتظار، بفاصله کوتاهی از ارسال نامه اعلیحضرت به آقای ترامپ بتاريخ ۲۲ آبان سال جاری موقعیتی ایجاد شد که علی الظاهر میتوان آنرا کنجاوی بیشتر رئیس جمهوری آمریکا به نامه اعلیحضرت تلقی کرد و آن برقراری مصاحبه ای بود که بی بی سی در تاریخ ۲۶ آبان از استودیو واشنگتن انجام داد. نزدیکی تاریخ نامه اعلیحضرت به آقای ترامپ، که تنها سه و یا چهارروز بیشتر نبوده و ترتیب مصاحبه که محتوای سوالات صریحا اشاره به نامه اعلیحضرت به آقای ترامپ داشت میتواند ارتباطی را بین نامه و مصاحبه بتصور آورد.

موضوعات در نامه

موضوعاتی که در نامه اعلیحضرت به آقای ترامپ مد نظر قرار داشته در این تحریر مطرح و سپس مصاحبه و مطالب آن در رابطه با نامه و درخواستهای اعلیحضرت بنقد آورده خواهد شد.

۱- مذاکره با نیروهای سکولار دموکرات

مهمترین درخواست اعلیحضرت در نامه به آقای ترامپ، دعوت ایشان برای همکاری با نیروهای دموکرات سکولار در ایران است.

تا آنجا که اسناد سیاسی نشان میدهد این درخواست اعلیحضرت سابقه ای سی ساله دارد که شاید بتوان گفت که کمتر بیانییه و یا مصاحبه ای از ایشان در دست است که این خواست و انتظار ایشان که مذاکره با نیروهای سکولار و دموکرات است تجدید نشده باشد؛ البته نوساناتی داشته است مدتی خواهان انحصار تماس بیگانگان تنها با نیروهای سکولار و قطع رابطه با جمهوری اسلامی و بعد قائل به تخفیف شدند و اجازه و موافقت فرمودند با مذاکره کشورهای غرب و نیروهای دموکرات تواما و در فرصت دیگری اصولا با مذاکره غرب با جمهوری اسلامی و ایجاد رابطه هم موافق شدند و آنرا راهی برای پیشبرد دموکراسی شناختند، و در این خصوص تنها به حرف بسنده نکردند، بلکه شورای شان هم نامه ای به خامنه ای با عنوان رهبر جمهوری اسلامی نوشت و از او دعوت به همکاری کرد و اکنون که از ترامپ هم دعوت به همکاری شده این مثلث همکاری سه گانه چگونه صورت اجرایی میتواند پیدا کند؟!

۲- برسمیت شناختن اراده مردم

موضوع مهم دیگری که در نامه اعلیحضرت در مقام درخواست قرار گرفته برسمیت شناختن اراده مردم ایران است مبنی برخواست تغییرات بنیادین حکومت در ایران است.

درخواست مزبور از آنجا که درخواست موجهی محسوب نمیشود، خوشبختانه مورد اشاره مصاحبه کننده با اعلیحضرت هم قرار نگرفته است.

زمنجیق فلک سنگ فتنه مبارد

بلائی تازه رسیده

برسمیت شناختن اراده مردم یک کشور ازسوی رئیس یک کشور خارجی اظهارنظر مانوس وقابل قبولی نیست، و مفهوم حقوقی آن این است که اگر رئیس جمهوری آمریکا اراده مردم ایران را برسمیت نشناسد، آن اراده ارزش واعتباری ندارد واین امری نیست که با حاکمیت ملی واستقلال کشور موازی و یک جامعه منور آنرا پذیرا باشد؛ اساسا هیچ رابطه حقوقی بین اراده مردم یک کشور وحاکم یک کشور دیگر وجود ندارد که بحث برسمیت یافتن آن بفرض کشیده شود. برسمیت یعنی در مسیرقانون قرار گرفتن. و معلوم بدون درنگ این است که هیچ قانونی ویارسمی درجهان مورد تائید نیست که اراده مردم یک کشور از سوی کشور دیگری «اراده قابل قبول» شناخته شود چه رسمی ویا غیررسمی.

درنظام برده داری، بردگان دارای هیچ حقی نبودند؛ مگرآنکه صاحب برده آن حق را برای آن برده رسم کند، >که آن حق را درنامه سند بردگی برده ثبت میکردند< برده نمیتوانست کاسبی کند ویا عملگی با اجرت بکند مگراینکه این حق برای او برسمیت ازطرف صاحب برده شناخته میشد. چقدرموضوع با درخواست ونظر اعلیحضرت دررابطه با برسمیت شناختن اراده مردم بوسیله آمریکا متاسفانه نزدیک است.

تا آنجا که بخاطرم هست هیچگاه تا به امروز اعلیحضرت از این عبارت >برسمیت شناختن اراده مردم از سوی آمریکا< استفاده نفرموده بودند نمیدانم چه شده وچه تحولی درمشاورین ایشان بوجود آمده که این نظرات و افکار نادرست و ویرانگر بصورت امرعادی وبا اعتبار پسند اعلیحضرت شده است.^۱

این چنین اظهاراتی ازناحیه اعلیحضرت بیسابقه نیست؛ قرینه آنرا میتوان درسخرانی ایشان درباشگاه دلاور آمریکا دید که از آمریکا خواهان گواهی وطن پرستی برای ایرانیان شدند، ولی اعتراضات ایرانیان کارساز شد ومنجیق هائی که سنگ فتنه میانداختند متوقف گردیدند، ولی اکنون درکمال تاسف بصورت بلائی تازه برمبارزه ایرانیان سقوط کرده است.

بهرحال جای شکرش باقی است که مصاحبه کننده وارد موضوع مزبور نشده ودردسری بردرسرهای موجود نیفزوده است.

۳- منابع مالی آزاد شده

درنامه به آقای ترامپ اظهار نگرانی شده است ازمنابع آزاد شده ایران، که ممکن است درجهت فعالیت های تروریسی وسرکوبی مردم ایران قرارگیرد.

۱ - نوشته پیام های اعلیحضرت که در فیس بوک (تارنمای غیررسمی) و سپس در انتقال به تارنمای رسمی صورت میگیرد بی مهابا ناشی از ناشیگری و یا نیت های ناخیر و توام با شر است که از سوی اطرافیان ناشی پیش کشیده میشود و پسندیده نیست. در پیامی که در پی گردهم آیی خودجوش و با شکوه مردم در پاسارگاد صادر شد، نشان از آن داشت که اعلیحضرت «رییس شورای ملی!» با اراده مردم همسویی نداشتند و از آن انتقاد شده بود. چطور از رییس یک کشور دیگر میتوان درخواست پذیرش اراده مردم را کرد زمانی که خود به آن اعتبار نمیدهد؟ ح-ک

اشاره بسیار با اهمیتی فرموده اند که این تحریر اجازه می‌خواهد همراه با راه حلی که ممکن است بتواند برای رفع نگرانی اعلیحضرت که نگرانی عموم جهانیان هم هست بحساب آید در فرصت دیگری ارائه طریق کند.

واما مصاحبه

بارقه ای که زود خاموش شد

برجسته ترین و حساسترین موضوعی که در مصاحبه مزبور در مدار بیان اعلیحضرت قرار گرفت بارقه ای بود که می‌توانست با توضیح و قراردادن آن در مسیر درست به سلطنت طلبان امکان دهد که برنامه رفع محظورات سیاسی اعلیحضرت را که بوسیله وزارت خارجه آمریکا به اجرا گذاشته شده بایک اقدام همگانی از ترامپ خواستار شوند و در کلامی دیگر اشاره ای که می‌توانست و شروع هم شده بود کلیدی مجاز برای فعالیت سلطنت طلبان برای رفع محظورات سیاسی تحمیلی براعلیحضرت گردد.

اشاره بیشتر اینکه: اشاره مختصر و سر بسته ای که اعلیحضرت به دوران قبل از شورش ۵۷ فرمودند، و بدرستی یاد آور شدند که اسلام رادیکال جایگزین حکومت و نظام سکولار و دموکراتیک ایران شد خیلی سریع از آن عبور کردند، در حالیکه اگر اشاره ای می‌فرمودند که غرب مانع مبارزه ایرانیان علیه حکومت رادیکال جمهوری اسلامی شد بطور حتم مصاحبه کننده علاقمند میشد که در این مورد توضیحات بیشتری دریافت میداشت، و همینجا بود که بمناسبت سوال مصاحبه کننده اعلیحضرت طرح هنری برشت وزارت خارجه آمریکا که نمودی کامل از سلب حقوق سیاسی یک ملت بوسیله آمریکاست را بتوضیح می‌آوردند و در نهایت مساعدترین فرصتی بود تا عدم خرسندی و آشفتگی عمیق ملت ایران و خودشان را از اینکه دولت های قبلی آمریکا با تصمیم سیاسی خود در سال ۱۳۵۶ نماد ملی مبارزه ایرانیان یعنی اعلیحضرت را ممنوع از فعالیت های سیاسی علیه جمهوری اسلامی کرده است به اطلاع آقای ترامپ و جهانیان رسانده شود؛ که متضمن این معنا میبود که ایرانیان خواستارند تا در تصمیم وزارت خارجه آمریکا (طرح هنری برشت) تجدید نظر گردد.

این اشاره فرصتی میشد که سلطنت طلبان بتوانند خواسته پادشاهشان را که با اصول منشور حقوق بشر کاملاً هماهنگ است و اجرای آن ننگ بزرگی برای کشور آمریکاست، دست به فعالیت همگانی برای زدودن بزنند.

متأسفانه این بارقه که میبایست بدرخشد تبدیل شد به تقاضاهای ناموجهی از آمریکا که اکنون به بخشی از آن اشاره خواهد شد.

◀ مهم‌ترین و حساسترین سوالی که از اعلیحضرت پرسیده شد، علت نوشتن نامه به آقای ترامپ بود که اعلیحضرت مطلب را با اعلام اینکه مردم ایران خواستار حمایت خارجی هستند آغاز و بعد شرح مبسوطی از لزوم مذاکره خارجیان (که بمناسبت نامه به ترامپ همان آمریکا میباشد) با نیروهای دموکراتیک و سکولار ایران بیان فرمودند و تکرار این موضوع که خارجیان همواره با دولت جمهوری اسلامی مذاکره کرده اند نه با مردم و امثال آنها که سی سال است به تکرار آمده در این مصاحبه هم زنده فرمودند.

متعاقب این فرمایشات، مصاحبه کننده گفت: «گروه های دموکراتیک چیست؟ بعضی معتقدند که چنین گروه‌هایی اصلا وجود ندارد».

سوال روشن است برای اینکه احتمالا رئیس جمهوری آمریکا به خواست اعلیحضرت که دیالگ و مذاکره با گروه های دموکراتیک و سکولار نزدیک شود باید بداند که چنین گروه هایی وجود دارند یا خیر و جنبه و ظرفیت سیاسی آنها چیست که متناسب با آن برنامه ریزی مذاکره شود.

اعلیحضرت به سوال مزبور پاسخی روشن نفرمودند و بجوای پرداختن که شاه بیت آن برخورد تمدن ها بود و ابراز عقیده فرمودند که برخورد بین تمدن هادرست نیست بلکه برخورد بین ارزشهاست که مردم از ارزشها دفاع میکند و دولت ها از ارزشهای دیگری که باهم سازگار نیستند و بعد هم مثال روغن و آب را زدند.

حاشیه = فکر مزبور که بجای برخورد تمدنها، برخورد ارزشها مطرح شده در یکی دو سال قبل هم یکبار از سوی اعلیحضرت مطرح شده است؛ البته که یک نظر است ولی تصور میشود از این مهم غافل مانده اند که در جامعه اسلامی ایران ارزشها فقط همان باورهای اسلامی است که قائمه قضاوت و شناخت ارزشها محسوب میشود، نه مسئله تمدن ها که محلی از اعراب ندارد (پایان).

بهر حال در پایان این قسمت از بیاناتشان اضافه کرده اند که «حرف من این است که شما اگر میخواهید مشکل اساسی حل شود که مردم ایران که نه خواهان جنگ اند و یادخال در امور کشورها باید با مردم تماس بگیرند ووووو...»

در این موقع مصاحبه کننده گفت: اگر امروز کسی از دولت آینده آمریکا با شما تماس بگیرد و بگوید یک فهرست بدهید شما یک لیست بدهید که گروه های دموکراتیک و سکولار کیست.

سوال مزبور با الصاق به سوال قبلی مصاحبه کننده که گفته بود: «برخی معتقدند که اصلا گروه های دموکراتیک و سکولار وجود ندارد» اهمیت خود را نشان میدهد.

اعلیحضرت به سوال مزبور (یک لیست و یافهرست بدهید از گروه های دموکراتیک) پاسخ مرتبط با موضوع نفرمودند و صحبت از انتخابات آزاد پاسخشان بود و مفهوم این سوال و جواب این است که آری اعتقاد به اینکه گروه های دموکراتیک و سکولار وجود ندارد درست است.

جای حیرت است، اعلیحضرت که خودشان را رئیس یک شورا معرفی میکنند و آنطور که آقای سعید جباری از اعضای برجسته شورا در مصاحبه با کیهان آن لاین گفتند شورا دارای ۵۰ هزار عضو است و روزانه هم ۳۰۰ نفر متقاضی عضویت دارد و در اسناد شورا هم علاوه بر تجزیه کشور شورا بعنوان یک سازمان سکولار معرفی شده، چگونه لااقل شورای مزبور را معرفی نکرده اند! همگان ناظرند که هرچه سازمان و گروه و کنگره و انجمن و غیره در خارج از کشور هست سکولار هستند، آیا همه قلابی و بی ریشه هستند که اعلیحضرت از تضمین اسمی آنها هم خودداری کرده اند؟

اصالت پاسخ در مسیر حقیقت این است که ایران قبل از شورش ۵۷ سکولار و قانون اساسی آن هم دموکراتیک بود، اکنون همه ایرانیانی که با جمهوری اسلامی مخالفند با اعتقاد به دموکراسی و آزادی و سکولاریسم فعاند و حجم این واقعیت طوری نیست که بتوان صورت تهیه کرد.

خوب وقتی ایرانیان خارج از کشور فاقد یک گروه دمکرات و سکولار هستند و اعلیحضرت که خود را رهبر اپوزیسیون جمهوری اسلامی میدانند قادر به معرفی ویا پاسخ روشن وقانع کنندهای به مصاحبه کننده نیستند، آمریکا با کی مذاکره و دیالگ بکند؟ البته اعلیحضرت سوال مزبور را بی پاسخ نگذاشته اند و از آمریکا خواسته اند که بامردم کوچه وبازار داخل کشور دیالگ کنند!

این تحریر مدافع این فکرنیست که جا داشت اعلیحضرت فهرستی از گروه های دمکراتیک و سکولار در آن برنامه عنوان میفرمودند ولی وقتی کسی در همان برنامه اصرار دارد که آمریکا قبول کند که ایرانیان خواستار حمایت از آمریکا هستند و آمریکا را تامل استیضاح در عدم مذاکره با ایرانیان میکشاند نباید موضوع را نیمه کاره رها میفرمودند. این قضیه مانند آن است که کسی فریاد کمک، کمک را بزند و وقتی کسی به سراغش میآید و میگوید چه کمکی میخواهی برای طرف آواز کوچه باغی بخواند.

ما ایرانیان ضرب المثل داریم که همان چاه و منار است وقتی سیاست ونظر اعلیحضرت زیر لوای تصمیم آمریکاست، آنهم تاحدی که آنرا ناظر بر حیات سیاسی اراده مردم ایران میدانند باید بفکر بقیه اش هم باشند.

مقوله هائی که در اندیشه نبوده است

❖ باید به این مقوله بیندیشند؛ گروهی که هدفش انتخابات آزاد و اصول دمکراتیک است، نمیتواند به **حمایت بیگانه متکی باشد**، نمیتواند خواستار تماس بیگانه با مردم ایران باشد، و از همه مهمتر نمیتواند به **دنیا اعلام کند که ایرانیان خواهان حمایت آمریکا هستند**، اعلیحضرت چه دلیلی برای این ادعای خجلت آور دارند که ۸۰ میلیون ایرانی حامی آمریکا هستند؟ اعلیحضرت که در همین مصاحبه فصل پر معنا و سربسته ای از دخالت آمریکا در امور ایران که منجر به شورش ۵۷ شد را در اشاره داشتند، نمیتوانند این قضاوت درست خودشان رابه مردم ایران که بیش از اعلیحضرت ستم آمریکا را متحمل شده ومیشوند نادیده گرفته ومردم را متهم به حمایت از آمریکا به جهانیان اعلام کنند. **حمایت از آمریکا به معنای معامله با آمریکاست؛ آیا اعلیحضرت به آثار این معامله وقوف و رضایت دارند که واسطه آن میشوند؟ - نحوه قبول حمایت با حمایت کننده است، آیا اعلیحضرت میتوانند آثار قبول حمایت که بسادگی ممکن است حتی به جنگ هم بکشد متحمل بشوند؟ این یک بدعت پیسابقه و غیر قابل قبول در جهان سیاست بین کشورهاست که دولت کشورها حق داشته باشند با مردم کشورهای دیگر تماس بگیرند و یا برعکس. این قبیل درخواست ها که قبح جاسوسی وتماس با بیگانه را زائل میسازد جواز بیگانه پرستی است. مبارزه باید از مبانی اصولی پشتیبانی شود نه نظرو آرمان های خیالی.**

❖ اعلیحضرت که بحق نتوانستند یک گروه چند نفری واقعی را با هدف دمکراسی و سکولار در خارج از کشور، آنهم بعد از ۳۷ سال مبارزه معرفی کنند نباید به خودشان حق بدهند که در این حد وابستگی خودشان ومردم ایران رابه حمایت آمریکا که یکطرفه بودن آن بر صغیر و کبیر آشکار است جدی نشان بدهند.

دست‌آورد از این مصاحبه

باسابقه ای که از هوشمندی اعلیحضرت در دست است قابل قبول نیست که اعلیحضرت از معرفی یک صورت از گروه های سکولار عاجز بوده اند. میتوانستند بفرمایند که با دفتر ایشان تماس بگیرند و در مورد مزبور مذاکره کنند و یا چون ایشان برای همکاری آنهم در حد غیرمعمول بین ایرانیان و آمریکا قبحی قائل نیستند اصلاً میتوانسته شورای خودشان بعلاوه آن ۲۰ سازمان و گروهی که هریک بصورت یک لشکر قطعنامه شورا را امضا کرده اند و نامشان هم منتشر شده معرفی بفرمایند.

برداشت این تحریر این است که این مصاحبه اساساً برای این ترتیب و مسیر آن هم قبلاً تعیین شده بود تا این نکته مبارزاتی مشخص شود و بویژه ایرانیان خارج از کشور درک کنند که گروهی که بنظر آمریکا دموکرات هستند و آمریکا میتواند در مورد ایران با آنها همکاری کند همین اصلاح طلبان حاکم هستند.

یادم هست که در یکی از فرمایشات اعلیحضرت آمده بود که شورای تجزیه طلبان! از این جهت تشکیل شد که اگر جنبش سبز در ایران سرکوب شد جای پائی در خارج داشته باشد. بنابراین براین سیاق شورای تجزیه طلبان! جزئی از اصلاح طلبان داخل کشور است و این برارنده کار سیاسی نیست که اعلیحضرت شورائی که در نهایت همان جنبش اصلاح طلبان و سبزاست، بجای اصلاح طلبان داخل کشور جا بزنند و به آمریکا معرفی کنند و قضیه برای آمریکا چنان روشن است که نمیتوانستند که آن جا بجائی را به ثمر برسانند.

در یک عبارت ساده اعلیحضرت و شورای شان جاده سیاسی کشور را برای انتقال قدرت جامع و مانع به آمریکا هموار میسازند و این یک مسئله تازه ای نیست مقاله <طرح حفاظت از جمهوری اسلامی> در سنگرمورخ اول بهمن ۷۹ این هدایت را میدهد که طرح حفاظت از جمهوری اسلامی متوجه دورکن است؛ رکن اصلی اجرای کامل طرح هنری برشت و رکن دوم استفاده از نیروی معنوی سلطنت در به بقدرت رساندن جناح مصدقی شورش در سال ۵۷ که امروز طیف اصلاح طلبان باقیمانده های آن است میباشد.

بنظر میرسد که دولت ترامپ با همین دولت روحانی و اصلاح طلبان کار خواهد کرد با این تفاوت که فصل همسری **خامنه ای و روحانی** به فصل جدائی تبدیل شود و سیاست آمریکای ترامپ حمایت از جمهوری اسلامی بدون بخش قدرت خامنه ای است.